

## **A Critical Review on the Book “Tazkirat al-Awliya”**

**Masoumeh Amirkhanlou\***

### **Abstract**

The publication and textual criticism of Attar of Nishapur’s “Tazkerat al-Awliya”, which is considered as one of the most important texts in Persian prose, was done in 1398 by Dr. Mohammad Reza Shafi’i Kadkani. More than a century has passed since the first textual criticism of “Tazkerat al-Awliya” by Reynold Alleyne Nicholson, but the new work that has been made is in many ways superior to the works of others; because the editor has largely provided a text close to Attar’s language by dealing with multiple manuscripts and providing a textual criticism. In addition to this, it is necessary to mention the useful comments, the detailed introduction, and the acquisition of the main sources of the mystics’ words in Tazkerat and their memoirs and cultures. The present article intends to point out some of the shortcomings and mistakes in the text of the book while pointing out the advantages and benefits of the new work. These shortcomings include typographical errors, incomplete or incorrect references, ambiguity in the method of textual criticism, structural and content confusion.

**Keywords:** Tazkerat al-Awliya, Attar of Nishapur, Textual Criticism, Incomplete References, Structural Confusion.

\* Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Bandargaz Branch, Iran, amirkhanloo@bandargaziau.ac.ir

Date received: 05/07/2021, Date of acceptance: 02/10/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بررسی انتقادی تصحیح تذکره الاولیاء

معصومه امیرخانلو\*

### چکیده

چاپ و انتشار تصحیح تذکره الاولیاء عطار نیشابوری که از امهات متون نثر فارسی به‌شمار می‌رود در سال ۱۳۹۸ به همت دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی به انجام رسید. از اولین تصحیح انتقادی تذکره الاولیاء توسط رینولد الین نیکلسون بیش از یک قرن می‌گذرد؛ اما تصحیح تازه‌ای که صورت گرفته از بسیاری جهات بر تصحیح سایرین برتری دارد؛ زیرا که مصحح از طریق مقابله با نسخ خطی متعدد و فراهم کردن چابی انتقادی تا حد زیادی متن نزدیک به زبان عطار ارائه داده است. در کنار این باید از تعلیقات سودمند، مقدمه مفصل، به‌دست‌دادن مآخذ اصلی سخن مشایخ در تذکره و فرهنگ‌واره‌های آن یاد کرد. نوشتار حاضر بر آن است تا ضمن اشاره به محاسن و مزایای تصحیح جدید تذکره، برخی کاستی‌ها و اشتباهات وارد شده در متن کتاب را برشمارد. از جمله این کاستی‌ها می‌توان به غلط‌های مطبعی، ارجاعات ناقص و یا اشتباه، دوگانگی در روش تصحیح متن، آشفتگی‌های ساختاری و محتوایی اشاره کرد.

**کلیدواژه‌ها:** تذکره الاولیاء، عطار نیشابوری، تصحیح متن، ارجاعات ناقص، آشفتگی‌های ساختاری.

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرگز، بندرگز، ایران،  
amirkhanloo@bandargaziau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

تذکره الاولیاء عطار نیشابوری از برجسته‌ترین آثار مشهور فارسی است که در بردارنده شرح حال تعدادی از مشایخ و عرفای اوکیه تا زمان عطار می‌باشد؛ از این روی مشتمل بر مباحث مختلفی چون تاریخ اندیشه‌های دینی و عرفانی، سیر تطوّر تصوّف از شکل زاهدانه آن تا عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین مفاهیم عرفانی است. در کنار این مسأله، وجود لغات و ترکیبات کهن و گونه‌گونی زبان هر یک از مشایخ، این کتاب را در زمره امّهات متون نثر فارسی قرار داده است. عطار در تألیف این کتاب از متون پیش از خود نظیر *حلیه الاولیاء، طبقات الصوفیة سلمی، کشف المحجوب هجویری* و ... بهره برده است.

این کتاب برای اولین بار، در حدود بیش از یک قرن پیش توسط رینولد الن نیکلسون به طبع انتقادی رسید. باید اشاره کرد تعداد نسخه‌های مورد استفاده نیکلسون، اندک‌شمار (چهار نسخه لیدن، موزه بریتانیا، برلین و پاریس) بوده است که همگی بی‌تاریخ و فقط یکی از دست‌نوشته‌ها تاریخ‌دار بوده است. به نظر می‌رسد نیکلسون از بسیاری از نسخه‌های معتبر که عموماً در ترکیه بوده‌اند بی‌خبر بوده است. از برتری‌های این تصحیح، مقدمه علامه محمد قزوینی است که حاوی اطلاعات سودمند و دقیقی است. پس از نشر نخستین چاپ تصحیح رینولد نیکلسون، یکی از کتاب‌فروشی‌های تهران همان را دوباره به‌عنوان *تذکره الاولیاء تصحیح علامه قزوینی* منتشر کرد؛ ولی با اطمینان می‌توان گفت که محمد قزوینی هرگز تذکره الاولیاء را تصحیح نکرده است. نخستین تصحیح تذکره بر پایه نسخه‌های قدیم و معتبر را محمد استعلامی میان سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ش انجام داد. اساس این تصحیح بر قدیم‌ترین نسخه *تذکره الاولیاء* (مورخ ۶۹۲)، حدود هفتاد سال پس از فوت عطار محفوظ در کتابخانه پیرهدایی است و مصحح آن را با نسخه مورخ ۷۰۱ محفوظ در کتابخانه ملی تهران و نسخه ۷۱۰ تحریر قونیه، و نیز با چاپ نیکلسون و چاپ‌های هند، مقابله کرده است. استعلامی، تصحیح بخش دوم تذکره را که از ملحقات می‌داند بر اساس چاپ نیکلسون و در مواردی با ارجاع به منابع دیگر فراهم کرده است. از جمله ویژگی‌های این تصحیح آن است که مصحح خود را ملزم به آوردن تمام نسخه‌بدل‌ها نمی‌کند و تنها مواردی را یادآور می‌شود که معنای محصلی داشته باشد.

## ۱.۱ بیان مسئله

انتشارات سخن در سال ۱۳۹۸ تصحیح استاد شفیعی کدکنی از تذکره الاولیاء را در دو جلد منتشر کرد. کتاب حاضر در سه بخش کلی مقدمه، متن مقابله‌شده و در پایان، نسخه‌بدل‌ها، تعلیقات، فرهنگواره‌ها و فهرست مراجع است. مصحح در مقدمه به مباحثی چون عطار و تاریخچه نیشابور در زمان‌های مختلف، یافته‌هایی در باب تذکره و منابع عطار و زبان و سبک عطار در تذکره می‌پردازد؛ آن‌گاه معرفی کاملی از نسخه‌های به کاررفته و دلیل اهمیت نسخه‌های اساس در دو بخش تذکره و بیان ویژگی‌های سبکی و نوشتاری نسخه‌ها و نیز روش تصحیح به دست می‌دهد. در واقع، از مهم‌ترین وجوه برتری این تصحیح بر چاپ‌های پیشین، بهره‌گیری آن از نسخ خطی معتبر تذکره است. مصحح ضمن معرفی نسخه‌های چهل‌گانه به توصیف و بیان اهمیت و ارزش هر یک از نسخه‌ها پرداخته و قدم‌به‌قدم خواننده را با دنیای تصحیح متن و ویژگی‌های آن آشنا می‌سازد. در بخش انتهایی مقدمه هم مطالبی درباره ماهیت تصوف و عرفان، صدق و کذب گزاره‌های عرفانی، شریعت و طریقت و حقیقت، مسأله کرامت و ... بیان می‌دارد.

بخش دوم کتاب (متن مقابله‌شده) دارای دو بخش است که بخش اول شامل هفتاد و دو تن از مشایخ است که با ذکر امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> آغاز و به ذکر منصور حلاج ختم می‌شود. بخش دوم هم شامل ذکر بیست و پنج نفر از ابراهیم خواص تا امام محمدباقر<sup>(ع)</sup> است. از سودمندی‌های این بخش این است که مصحح قبل از بخش مربوط به هر یک از مشایخ، به معرفی و بیان نکات برجسته زندگی هر عارف و در نهایت، به ارائه لیستی از منابع دست اول برای شناخت بیشتر عارف مورد نظر می‌پردازد.

مصحح در قسمت تعلیقات، اطلاعات مفصّلی در باب واژگان و اصطلاحات و مأخذ اصلی گفتار عطار با مراجعه به منابع پیش از عطار به دست می‌دهد. به نظر نگارنده یکی از ارزش‌های انکارناپذیر این تصحیح بر سایر چاپ‌ها، آوردن اصل منبع و مأخذ سخنان مشایخ در کتاب‌های پیش از عطار به مانند حلیه الاولیاء حافظ ابونعیم اصفهانی، طبقات الصوفیه سلمی، طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری و سایر منابع مورد مراجعه مصحح است که نشان از احاطه ژرف و فراگیر مصحح بر سرچشمه‌های زبان عرفان و تصوف دارد.

## ۲. بحث و بررسی

بدون شک تصحیح شفیع کدکنی هم به جهت بهره‌مندی از چندین نسخه معتبر و هم به جهت تعلیقات مفصل، بهترین چاپ تا کنون است؛ با همه این مزیت‌ها و برجستگی‌ها که تنها به برخی از آنها اشاره شد نگارنده این یادداشت در حین خواندن و بررسی تصحیح یادشده، به کاستی‌ها و ایراداتی برخورد کرد که رفع آن‌ها می‌تواند ارزش کار مصحح را برجسته‌تر نماید.

### ۱.۲ اشتباهات مطبعی

- شناسنامه کتاب، موضوع به لاتین «Sufisn» آمده که صورت درست آن، «Sufism» است.
- صفحه هفتاد و نه، سطر سوم: «...شخصی خود فزوده است» که بایستی به «افزوده است» اصلاح گردد.
- صفحه یکصد و هفده، از پایین سطر ششم: «ک/گ: یکسان کتاب شده است». صورت درست، «کتابت» است.
- صفحه ۵۷۲، سطر چهارم: «جای تهینت است، اگر چنان بودی که...»؛ صورت صحیح کلمه، «تهنیت» است.
- صفحه ۸۷۳، سطر دهم: «و از این جنس رازی همی کرد و جمله زمین مسجد به خون چشم آغشته گردانید». ضبط درست کلمه، «زاری» است.
- صفحه ۱۱۶۶، از پایین سطر چهارم: «چون گریخت از سایه او دیو دور»؛ در منبع مذکور (مصیبت‌نامه، ۵۱۷) ضبط درست، «گریخت» است.
- صفحه ۱۲۲۲، سطر اول: «و با همین تعبیر هفتاد اندامت را ذره ذره گردانم»؛ در منبع یادشده (مصیبت‌نامه، ۲۲۸) «هفت» به کار رفته است.
- صفحه ۱۲۴۵، سطر پنجم: «و اگر میان مسلمان بودن و گردن زده شده مخیر شدید...»؛ ضبط درست کلمه، «شدن» است.

- صفحه ۱۲۴۸؛ ۲۵:۱۹ زنی که در عهد شافعی...: «و بعضی از منابع مانند ابونعیم نوشته‌اند...»؛ «منابع» درست است.
- صفحه ۱۳۱۳؛ ۲۰:۴۵ و سخن اوست که آفرینش دل‌ها...: «و تکلمه‌ای که خراز بر آن حدیث افزوده بوده است...»؛ «تکلمه‌ای» صحیح است.
- صفحه ۱۳۴۷؛ ۲۱:۵۸ خواب راست یک جزو...: «(ذیل تاریخ مدینه السلام...»؛ «مدینه» درست است. در صفحه ۱۷۶۰ فهرست مراجع هم نام کتاب اشتباه آمده است.
- صفحه ۱۳۶۹؛ ۱۰:۶۹ اخبار عالی: «...علوم الحدیث و مصطلحاته...»؛ صورت درست کلمه، «مصطلحه» است.
- صفحه ۱۴۲۸؛ ۲۱۶:۷۹ این درد می‌برد: «اگر تصحیف «می‌بُود» نباشد به معنی استمرار داشتن است»؛ قاعدتاً باید «باشد» باشد تا معنای مورد نظر مصحح را بدهد.
- صفحه ۱۴۲۹، از پایین سطر سوّم: «ولی در نور العلم پرهیز، می‌تواند منشاء...»؛ «نورالعلوم» درست است.
- صفحه ۱۴۴۸؛ ۹۲:۸۵ لیکن تو با عمل...: «یعنی عمل را انجام بده ولی... برای عمل خویش ارزش و اعتبار قائل شو»؛ قاعدتاً باید «مشو» درست باشد.
- صفحه ۱۴۶۱؛ ۷:۹۲ بسنده نیست این که: «و در ترجمه کهن رساله بدین گونه ترجمه شده است: «پسندیده نیست این که...»؛ صورت درست کلمه، «پسند» است.
- صفحه ۱۴۷۱؛ ۱۰:۹۵ قَبَالَ: «طبقات الشافعیه، سبکی...»؛ کلمه درست، «الشافعیة» است.
- صفحه ۱۴۸۵؛ ۵۹:۹۵ مَرَّق و طلیسان: «طلیسان گاهی به عنوان جامه یهودیان...»؛ «طلیسان» درست است.
- صفحه ۱۷۴۵: الأعلاق النفسیه، ابن‌رسته...: «الأعلاق النفسیه» درست است.
- صفحه ۱۷۴۹: المختار من مناقب الأبرار، ...، مرکز زاید للتراث و التاریخ...: «للتراث» درست است.

- صفحه ۱۷۶۴: شرح مشکلات نفحات الأنس، ...، نسخه مورّه ۹۴۳...: «مورخ» درست است.

## ۲.۲ عدم ذکر منابع استفاده‌شده در منابع و مآخذ پایان کتاب

از جمله موارد شایان توجه در تصحیح حاضر، استناد به منابع دست اول و نویافته درباره هریک از مشایخ است که مصحح در مطاوی مقدمه و تعلیقات بدان‌ها استناد جسته است؛ اما در بسیاری از موارد، مشخصات کامل منابع ارجاع‌داده‌شده در قسمت کتابشناسی پایان کتاب ذکر نشده و چنین امری برای پژوهنده‌ای که به دنبال اطلاعات کامل‌تر درباره موضوع مورد نظر است ایجاد دشواری می‌کند. در زیر برخی ازین موارد ذکر شده است:

- صفحه بیست و شش: در پاورقی شماره ۸ به کتاب *الحركة العلمیة فی نیسابور من القرن الثالث الهجری الی القرن الخامس الهجری* ارجاع داده شده؛ اما در فهرست منابع ذکر نشده است.

- صفحه شصت و پنج: در پاورقی شماره ۲ به کتاب *The Necklace of the Pleiades* ارجاع داده شده؛ اما در فهرست منابع نیامده است.

- صفحه ۲۳۸: در منابع تحقیق در باب معروف کرخی ارجاع به کتاب *الأربعین فی شیوخ الصوفیه* داده شده که در فهرست منابع پایان کتاب، جای آن خالی است.

- صفحه ۶۹۰: در بخش منابع مربوط به ابونصر سراج به دو کتاب *مهمان‌نامه بخارا* و *ابونصر السراج و کتاب اللمع* ارجاع داده شده؛ اما در کتابشناسی ذکر نشده است.

- صفحه ۷۱۸: در معرفی منابع تحقیق درباره خرقانی به کتاب *بحر الحقائق و المعانی* ارجاع داده شده؛ اما در فهرست کتابشناسی نامی از آن در میان نیست.

- صفحه ۸۶۴: در بخش معرفی منابع تحقیق درباره ابوسعید ابوالخیر، از کتاب‌های *الفصل فی الملل و الأهواء و النحل*، *بستان القلوب* و *سیر الأقطاب سخن* به میان آمده؛ اما در کتابشناسی پایان کتاب نام‌شان از قلم افتاده است.

- صفحه ۱۳۴۷: *سطر سوم*: به کتاب *الهدی النبوی فی العبادات و زاد المعاد فی هدی خیر العباد* ارجاع داده شده، ولیکن در کتابشناسی مشخصات آن‌ها ذکر نشده است.



بررسی انتقادی تصحیح تذکره الاولیاء (معصومه امیرخانلو) ۶۱

- صفحه ۱۳۶۹؛ ۱۰:۶۹ اخبار عالی و ۱۰:۶۹ معمر: در تعلیقات این دو بخش، به کتاب‌های منهج النقد فی علوم الحدیث و تذکره الحفاظ استناد شده؛ اما نام‌شان در کتاب‌شناسی نیامده است.
- صفحه ۱۴۳۷؛ ۹:۸۱ راه به خدای به عدد...: در تعلیقات نام دو کتاب الأصول العشرة و مناهج الطالبین ذکر شده؛ اما در کتاب‌شناسی نیامده است.

### ۳.۲ یکدست‌نبودن شیوه ارجاعات

- صفحه ۴۰۰ و شش، پاراگراف سوم: قسمت «بنگرید به مقدمه عطار بر تذکره الاولیاء بندهای ۹/۰ و ۵/۱» بایستی از درون متن به پاورقی منتقل شود.
- صفحه ۶۶۲، سطر سوم: «استاد فروزانفر، ممشاد ضبط کرده است در ترجمه رساله قشیریه، ۶۹». بهتر است به سیاق اعم اغلب ارجاعات درین کتاب، آدرس منبع به پاورقی منتقل شود.
- صفحه ۱۲۹۸؛ ۵۸:۴۳ میان ایشان و خدای...: در تعلیقات آمده است: «ابوالحسن خرقانی، شماره ۷۹». این گونه ارجاع دادن، بر خلاف سیاق کلی کتاب است که نام کتاب و شماره صفحه ذکر می‌شود. در این مورد هم که ارجاع به تذکره است مانند موارد مشابه این گونه ارجاع داده شود: «← ۲:۷۹».
- صفحه ۱۳۴۱؛ ۲۳:۵۵ صوفی آن است که: ۳۱ خرکوشی: این گونه ارجاع‌دادن برخلاف سیاق سایر ارجاعات است. بایستی بدین گونه ارجاع داد: «تهذیب الأسرار، ۳۱».

### ۴.۲ ارجاعات ناقص

- صفحه یکصد و سیزده، سطر سوم: «...وقتی در کشتی خواست نشستیم سیم نداشت» (صفحه ۱ از چاپ نیکلسون) آغاز می‌شود و با افتادگی‌های بسیار در سطر ۱/ احوال سری سقطی...»، ارجاعاتی که داده شده اشتباه است و راه به جایی نمی‌برد.

- صفحه ۱۱۶۳؛ ۲:۴: دینار، نام پدر مالک: در تعلیقات این گونه آمده است: «مقاله ما در کتاب با راست‌قامتان بینه اندرز، ...»؛ ارجاع به مقاله ناقص است و بایستی عنوان مقاله و شماره صفحه ذکر می‌شد. در ادامه همین تعلیقه ارجاع داده شده به «عبدالله بن مبارک، ۱۵» که هیچ دانسته نیست آیا ارجاع به متن تذکره الاولیاست و یا متن دیگری؟ اگر ارجاع به تذکره است مشخص نیست عبارت فوق در کدام بند بخش عبدالله بن مبارک آمده است.
- صفحه ۱۲۲۶؛ ۲۲۳:۱۴ اختلاف علما: در تعلیقات این بخش آمده است: «شرح تجرید، خواجه طوسی»؛ شماره صفحه مأخذ مذکور از قلم افتاده است.
- صفحه ۱۲۸۶، سطر هشتم: «در ترجمه عرجون ۳۹:۳۶ بعضی از مترجمان قدیمی قرآن کریم کژ/ خنبیده آورده‌اند (فرهنگنامه قرآنی ۱۰۱۴)». ارجاع کامل این گونه است: فرهنگنامه قرآنی ۱۰۱۴/۳.
- صفحه ۱۳۲۵؛ ۵:۴۹ چه گونه باشد حال...: در تعلیقات، فقط به «طبقات الصوفیه، انصاری» بدون ذکر شماره صفحه ارجاع داده شده است.
- صفحه ۱۳۶۸، سطر هفتم: «امثال و حکم، ۷۳۳»: آدرس درست این گونه است: امثال و حکم، ۷۳۳/۲.
- صفحه ۱۴۲۸؛ ۲۰۰:۷۹ چون دو بود...: «مقایسه شود با شماره ۹۴۰ که...»؛ آدرس منبع ناقص است. چنین ارجاعات ناقص و نادرستی در تمام بخش تعلیقات ابوالحسن خرقانی دیده می‌شود. به عنوان مثال، مورد مذکور بایستی این گونه ارجاع داده می‌شد: نوشته بر دریا، بند ۹۴۳.

## ۵.۲ عدم ذکر منبع و مأخذ نقل قول‌های مستقیم

- صفحه پنجاه و هشت، سطر هفتم: جمله‌ای از یحیی معاذ رازی نقل شده؛ اما منبع آن ذکر نشده است. «الإخلاص تمييز العمل من العيوب...».
- صفحه ۱۱۹۳؛ ۵۱:۱۲ اگر مرا سجود همه...: «یا بشر لو سجدت... فی قلوب عبادی». آدرس مأخذ عبارت عربی ذکر نشده؛ با جستجویی که در منابع تحقیق مصحح به عمل آمد دانسته شد مأخذ عبارت، المختار ۴۷۲/۱ است.

- صفحه ۱۲۰۳؛ ۱۱۵:۱۳ بزرگ گرداند: «همین عبارت را در جای دیگر از کتاب، «عصمه الله» خوانده...»؛ اما در ادامه ارجاعی به متن مورد نظر داده نمی‌شود؛ بلکه چندین سطر بعدتر، به شماره «۶۶ تذکره» ارجاع داده می‌شود که در اصل می‌بایست این گونه ارجاع داده می‌شد: «۵/۶۶»
- صفحه ۱۲۸۵؛ سطر اول: «و مهدی اخوان ثالث در عصر ما گفته است: شعر قرآن و ... از شعر من و سینه من». منبع شعر اخوان ثالث ذکر نشده است.
- صفحه ۱۳۰۵؛ ۲۱۷:۴۳ صادق روزی چهل بار...: «الصادق یتقلب ... أربعین سنة». مأخذ این عبارت عربی ذکر نشده است.
- صفحه ۱۳۴۰؛ ۱:۵۵ آن سالک بساط وجد: در تعلیقات، به نقل از نیکلسون آورده‌اند: «آن سالک بساط وجدان پرورش»؛ اما آدرس منبع ذکر نشده است. ارجاع مطلب بدین گونه است: تذکره الاولیاء، نیکلسون، ۸۵/۲
- صفحه ۱۳۶۴؛ ۴:۶۶ هر که بجز از خدای...: «من یکن سروره بغیر الحق ... فی وحشة». مأخذ این عبارت ذکر نشده است؛ با جستجو در منابع، آدرس آن یافت شد: المختار ۳۵۳/۱.
- صفحه ۱۴۴۰؛ ۱۵:۸۲ سویق: «شاعری گفته است: «یا حبذا ما فی الجوالیق...»؛ مصحح اشاره‌ای به مأخذ این بیت عربی نمی‌کند.
- صفحه ۱۴۵۲؛ ۳:۸۷ از شمار صوفیان ندانم: «فقال: لا ما عدتته فی الصوفیة». مصحح به مأخذ این عبارت عربی اشاره نمی‌کند.
- صفحه ۱۴۶۸؛ ۲۴:۹۳ به صفت آدم از آدم...: «اذا أخبر عن آدم بصفه الله...»؛ مصحح مأخذ این عبارات عربی را ذکر نکرده است. با جستجو در منابع دانسته شد آدرس آن، «طبقات سلمی، ۴۸۶» است.

## ۶.۲ آشفته‌گی‌های محتوایی

- صفحه بیست و دو، پاورقی شماره ۴: مصحح با اشاره به کتاب *The Histories of Nishapur* بیان می‌کند «در باب ریشه نام ابرشهر استاد ریچارد فرای در مقدمه ... معتقد است که Aparshahr و Abarshahr بوده است...»؛ چگونه است که ریشه

نام ابرشهر، ابرشهر بوده است؟ با مراجعه به منبع مذکور دانسته شد سخن درباره ریشه نام نیشابور است که از ابرشهر گرفته شده است.

- **صفحه چهارم و سه، پاراگراف سوم:** مصحح کتاب درین پاراگراف از عدم تجلیل و تکریم غزالی از جانب عطار حکایت می‌کند؛ حال آنکه پیش از آن در پاراگراف قبلی سخن بر سر عدم اشاره به کتاب شرح القلب در کتابشناسی‌های قدیم است. خواننده با خواندن پاراگراف سوم دچار ابهام شده و ربط آشکار معنایی میان این دو پاراگراف نمی‌بیند؛ حال اگر توضیحات پاورقی به داخل متن آورده می‌شد این گسست معنایی نیز حل می‌گردید.

- **صفحه هشتاد و هفت:** در مقدمه درباره حضور و غیاب مشایخ مابعد حلاج این‌گونه آمده است: ابوعلی دقاق از جمله مشایخی است که در تمام نسخه‌های نه‌گانه حضور دارند؛ حال آنکه طبق جدول صفحه هشتاد و شش، ذکر ابوعلی دقاق در نسخه شماره هفت (موزه پارس) نیامده است. در مورد شبلی، هم او را در گروه مشایخی که در تمام نسخه‌های نه‌گانه حضور دارند قرار داده‌اند و هم در گروه مشایخی که در هفت یا هشت نسخه نام‌شان آمده است. درباره ذکر امام باقر (ع) بیان شده نام‌شان در دو نسخه از نسخه‌های نه‌گانه آمده؛ اما در پاورقی همان صفحه و در جدول صفحه هشتاد و شش، نام‌شان تنها در یک نسخه (نسخه متعلق به مصحح) ذکر شده است.

- **صفحه ۸۳۴ سطر دوم:** در بخش معرفی ابواسحاق کازرونی آمده است: «گفته است بیست و هفت هزار تن از مجوسان بر دست من مسلمان شدند»؛ اما بر اساس متن تذکره الاولیاء (چاپ حاضر) تعداد مجوسان، بیست و چهار هزار تن آمده است (تذکره الاولیاء، ۴/۹۰).

- **صفحه ۱۱۷۱؛ ۱۱:۶ احمد حنبل و شافعی و حیب عجمی:** مصحح آورده: «این حکایت که از دیدار این سه تن خبر می‌دهد نمی‌تواند وجه صحیحی داشته باشد زیرا حسن در حدود ۱۳۳ درگذشته و شافعی در ۲۰۴ و احمد حنبل در ۲۴۱؛ سهوی اتفاق افتاده است؛ زیرا که سخن از حیب عجمی و آن دو تن دیگر است نه حسن بصری.

- صفحه ۱۴۲۳، سطر پایانی: در تعلیقات به کتاب کشف الغطاء عم حکم سماع الغنا ارجاع داده شده و آن را از آن ابن جوزی دانسته‌اند؛ در حالی که اشتباه است و این کتاب از ابن قَیم الجوزیه است.
- صفحه ۱۴۴۸؛ ۷۴:۸۵ خوف و رجا دو...: مصحح بعد از آوردن مأخذ عربی عبارت مذکور بیان می‌دارد: «آنچه افزون برین در عبارت عطار آمده، تفسیر و تعلیق اوست بر سخن واسطی»؛ در واقع، در متن تذکره، تنها عبارت واسطی آمده و افزوده دیگری ندارد.

## ۷.۲ آشفته‌گی‌های ساختاری

- صفحه یکصد و پانزده: نسخه شماره ۴۵۹۱ با حرف اختصاری N معرفی شده؛ اما همین نسخه در صفحه یکصد و بیست و نه و یکصد و چهل و نه تحت عنوان نسخه برلین دو بار دیگر معرفی شده است.
- صفحه یکصد و بیست و سه: نسخه فاتح به شماره 4247 با حرف اختصاری F معرفی شده؛ اما پیش ازین نسخه چلبی عبدالله هم با حرف F شناسانده شده بود.
- صفحه ۶۷۲، سطر چهارم: «...و گفت اگر به گرگان پای‌تابه بد بافند آن جرم شبلی را بود»؛ این قسمت از بند ۳۱ مستقل از ماقبل خود است و باید بند جداگانه‌ای تلقی شود.
- صفحه ۱۱۵۱؛ ۳۲:۱ من لم یکن له سر...: دقیقاً همین عبارت در صفحه بعد هم توضیح داده شده است. مناسب‌تر بود این دو مدخل در هم ادغام شود.
- صفحه ۱۱۵۲؛ ۳۳:۱ به ایسی ضرر رسیدی: در همین صفحه این عبارت دوبار توضیح داده شده؛ البته با تفاوت‌هایی. روشمندتر این است که توضیحات مربوط به این عبارت، همگی در ذیل یک عنوان گفته شود.
- صفحه ۱۲۲۲؛ ۱۳۹:۱۴: توضیحاتی که در ذیل مدخل «دعوی کردن از کسی درست آید» و «نخست بر خود نور ذات بماند/نماید» در بسیاری از اجزاء تکراری است. بهتر است این دو عنوان یکی شود.

- صفحه ۱۳۰۶؛ ۲۲۵:۴۳ و گفت پیش ازین و ۲۲۶:۴۳ پیش ازین توکل حقیقت بود: توضیحاتی که در ذیل این دو عبارت آمده کاملاً تکراری است و بهتر است در هم ادغام شوند. علاوه بر این، شماره درست هر دو بند، ۲۲۴:۴۳ است.
- صفحه ۱۳۳۷؛ ۱۹:۵۳ سوسی: «همان ضبط خلق که در روایت...»، این عبارت هیچ ارتباطی با توضیحات مربوط به «سوسی» ندارد؛ بلکه در واقع، ادامه تعلیقه قبلی (۱۸:۵۳) است که به اشتباه درین قسمت آورده شده است.
- صفحه ۱۳۳۹؛ ۱۱:۵۴ راه انجामी گرفت: در تعلیقات این قسمت، به همین بند به‌عنوان شاهد مثال ارجاع داده شده است. ارجاع به خود برای اثبات قضیه درست نیست.
- صفحه ۱۳۵۰؛ ۳:۵۹ کوه لبنان: ← ۳:۵۹: ارجاع به خود نمی‌تواند چیزی را اثبات یا نفی کند.

## ۸.۲ پاره‌ای اشکالات ویرایشی و نگارشی

از اصول ساده اما بااهمیت در تصحیح متون کهن، رعایت فاصله‌گذاری‌ها و یا الزام در رعایت سرهم‌نویسی است؛ زیرا که غافل‌ماندن ازین نکته ممکن است باعث کژخوانی و در نتیجه مغفول‌ماندن نکته‌ای زبانی، گویشی و یا کنایی باشد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- صفحه یکصد و چهل، سطر نهم: «قبل از شروع متن فهرست نام مشایخ، با خط نستعلیق جدید و تعیین صفحات هر کدام از مشایخ، در پایان فهرست آمده است: کتب هذا...». جمله از لحاظ رسانگی پیام مبهم است؛ در واقع، گفته شده قبل از شروع متن فهرست نام مشایخ، در پایان فهرست آمده است. بر من معلوم نشد منظور مصحح ازین جمله چیست؟
- صفحه یکصد و پنجاه و پنج، سطر سوم: «ناچار شدیم... نسخه ایاصوفیا را اساس قرار دهیم و از نسخه‌های برلین و ... به عنوان نسخه‌بدل». عبارت درین جا به پایان می‌رسد و ناقص باقی می‌ماند. فعل جمله قاعدتاً باید «استفاده کردیم» باشد.

- صفحه ۲۵۵، سطر پایانی: «آن شب احمد کوزه آب بر وی نهاد». در تعلیقات، «به روی نهاد» به معنی واژگون نهاد آمده است؛ لذا فاصله انداختن میان «بر» و «وی» باعث کژخوانی و در نتیجه کژفهمی شده است که باید به صورت «بروی نهاد» اصلاح شود.
- صفحه ۵۴۵، از پایین سطر دهم: «گاه‌گاه مشایخ را به اعمال او راه آنجا می‌گرفت». فعل جمله «راه انجام گرفتن» است. «می» گرفت پیشوند استمراری نیست و باید به کلمه «انجا» بچسبد.
- صفحه ۷۳۵، سطر هشتم: «تکبیر اوّل به خراسان‌ها بندید و سلام باز دهید؛ «ها» که به «خراسان» چسبیده در واقع، های پیشوند فعلی است و از مختصات زبانی خرقانی؛ امّا با عدم رعایت فاصله مناسب بین «خراسان» و «ها» این نکته زبانی مغفول مانده است. (نیز بنگرید به ص ۷۶۵، سطر نهم: «چشمه‌ای است از دریا و سرها دریا»؛ در این مورد هم «ها» علامت جمع نیست، بلکه حرف اضافه لهجه قومی است.
- صفحه ۷۸۲: در بخش معرفی ابوحمزه بغدادی، بعد از نقل داستانی مربوط به زندگانه وی، آمده است: «این داستان را با تفاوتی درباره ابوحمزه و حارث محاسبی نیز نقل کرده‌اند». در اینجا ابوحمزه حشو است؛ زیرا که در جملات پیشین سخن از ابوحمزه بوده است.
- صفحه ۱۲۴۵؛ ۲:۱۹ قدموا قریشاً: «طبرانی آن را از عبدالله بن سائب و ابونعیم آن را روایت کرده است...»؛ «آن را» در جمله فوق حشو است و زائد.
- صفحه ۱۲۵۳؛ ۲:۲۱ حبیب راعی: «و وقتی نام‌گذاری به این نام‌ها مرسوم نباشد، کنیه‌ساختن ازین نام‌ها: ابوخلیم، .. و ابوعلیز کنیه‌دادن هم رسم نبوده...»؛ در این عبارت، «کنیه‌دادن» حشو است.
- صفحه ۱۱۹۱؛ سطر اوّل: «هر جا که نام بلال خواص بوده است، از جمله المختار ۴۶۴/۱ و ۳۱۰/۱-۳۱۱ و ... و مناقب الأبرار ۱۳۰/۱». جمله فوق در همین جا به پایان می‌رسد و ناقص باقی می‌ماند.

- صفحه ۱۲۷۳؛ ۲۵:۳۳ تا گرد عرش گردد...: «در تمام روایاتی که متن عربی را دارند از قبیل ... و مناقب الأبرار» معنای جمله ناقص باقی می‌ماند و در ادامه، مطلب دیگری ذکر می‌گردد.
- صفحه ۱۳۷۶؛ ۱:۷۱ جریری: «و در حاشیه یادآور شده‌اند که در الكامل ابن اثیر ۱۴۵/۸ ضبط شده است»؛ به نظر می‌رسد کلمه «جریری» قبل از «ضبط شده است» از قلم افتاده است.
- صفحه ۱۳۹۳؛ ۱۶:۷۳ نذر کردم که...: «شاید از کشف المحجوب... و المختار... و مناقب الأبرار...»؛ فعل جمله افتاده است که به قرینه می‌تواند «گرفته شده باشد» باشد.
- صفحه ۱۴۳۷؛ ۱۱:۸۱ بهترین خلق...: «ذیل عبارت را که «لکی یری تقصیر نفسه» است ندارد». در واقع، جمله ناقص است و مصحح اشاره نمی‌کند کدام‌یک از دو منبع یادشده عبارت فوق را ندارد. با مراجعه به منابع دانسته شد این عبارت در المختار نیامده است.

## ۹.۲ افتادگی‌ها و اشتباهات در تصحیح متن و ارجاع به منابع

- صفحه ۳۹، از پایین سطر پنجم: «تا بعد از آن چنان شد که البته کس را به از خود بدانستی تا وقتی سگی دید». با توجه به سیاق کلام، ضبط درست، «ندانستی» است.
- صفحه ۲۹۶، سطر ششم: «و رزق داد تا او به رازقی بدانند و میرانید تا او را به قهاری بشناسند و زنده گرداند تا او را به قادری بدانند». به نظر می‌رسد حرف «را» بعد از «او به رازقی بدانند...» از قلم افتاده است.
- صفحه ۴۸۵، سطر یازدهم: «اگر امیرالمؤمنین فرمان ندهد به کشتن ایشان مذهب زنداقه متلاشی شود که سر این همه این گروه‌اند». با توجه سیاق کلام، ضبط کلمه بایستی «بدهد» باشد.
- صفحه ۵۲۶: در بخش معرفی ابراهیم رقی آمده: «و اگر همت او رضای خدای بود ممکن نبود که در توان یافت غایت او»؛ اما در متن تذکره الاولیاء، «غایت قیمت او» آمده است (تذکره، ۵۲۷).



- صفحه ۶۸۰، سطر چهاردهم: «در آن وقت که این مهمان در بن پرده ظلمت مادر بود...»؛ بر اساس تعلیقات، کلمه «رحم» بعد از «ظلمت» از قلم افتاده است.
- صفحه ۷۹۰، از پایین سطر پنجم: «هرکه راست بیستاد با او، هیچ کس کژ نگردد و هرکه کژ شد با او، هیچ کس بدو راست نشود». به نظر می‌رسد «بدو» در جمله «هیچ کس کژ نگردد» از قلم افتاده است به سیاق جمله بعدی.
- صفحه ۱۲۰۴؛ ۱۲۲:۱۳ اندوه مخور...: «و ذکر الحق موجود»؛ در منبع یاد شده (تهذیب الأسرار ۳۱۹) «المعبود» آمده است.
- صفحه ۱۲۹۲؛ ۴:۴۲ چون با نفس صحبت...: «خلق الله القلوب للذكر فصارت مساكن للشهوات»؛ با مراجعه به مأخذ عبارت دانسته شد اصل عبارت این گونه است: «خلق الله تعالى القلوب مساكن للذكر و...».
- صفحه ۱۳۴۰؛ ۱۰:۵۵ ساکن شدن به چیزی...: «سكون القلب الى المولى تعجيل...»، در منبع یاد شده، «سكون القلب الى غير المولى...» آمده است.
- صفحه ۱۴۵۱؛ ۱۲:۸۶ أف از اشغال دنیا: «أف من أشغال الدنيا وأف من حسراتها اذا أدبرت و العاقل لا يركن الى شيء... (طبقات سلمی ۳۶۴، المختار ۴/۴۹۲)»؛ عبارت «والعاقل لا يركن...» در المختار وجود ندارد و تنها قسمت آغازین عبارت را شامل است.
- صفحه ۱۲۰۶؛ ۱۵۲:۱۳ الخوف امرضنی: در ترجمه‌ای که مصحح از «الخوف امرضنی و الشوق احرقنی / و الحب قتلنی و الله احیانی» به دست داده است در ترجمه بند «و الحب قتلنی» دچار سهو شده و آن را به صورت «عشق مرا به زنجیر کشید» ترجمه کرده است.

## ۱۰.۲ ارجاع به آدرس‌های غلط در متن تذکره الاولیاء و سایر منابع

نمونه ارجاعات اشتباه به متن تذکره الاولیاء هم در مقدمه، هم در تعلیقات و هم در نمایه‌ها به فراوانی دیده می‌شود؛ اما درین قسمت تنها اشتباهات فاحش و با اختلاف زیاد آورده شده و از اشاره به موارد جزئی صرف‌نظر شده است.

- صفحه ۴۱ و دو، پاورقی شماره ۲: آدرس «دل نامتناهی است چنان که در شرح القلب بیان کرده‌ایم» شماره ۹۹/۲ آمده که صورت درست آن، شماره ۵۱/۵۸ است.
- صفحه ۱۱۳۹، از پایین سطر پنجم: «عطار در تذکره الاولیاء در موارد دیگری نیز ازین تعبیر بهره برده است از جمله ۷۸:۱۱ و ۱۲:۳۱». در آدرس‌های داده‌شده و نیز بندهای قبل و بعد سخنی از موضوع مورد نظر که «ابدال» است یافت نشد.
- صفحه ۱۱۵۰: ۱۸:۱ زیرا که ازین معنی...: در پایان تعلیقات به نسخه‌بدل‌ها ارجاع داده شده، اما چنین بند و شماره‌ای در بخش نسخه‌بدل‌ها نیست؛ بلکه در مطاوی بند ۱۵:۱ آورده شده است. در نسخه‌بدل‌های بند ۱۵ در هم ریختگی‌های فراوانی رخ داده و نسخه‌بدل‌های بندهای ۱۷ و ۱۸ به صورت نامرتب و مغشوش وارد بند ۱۵ شده است.
- صفحه ۱۱۶۴: ۴۵:۳ به روی و ریش: در تعلیقات به بند ۴۵:۴ ارجاع داده شده؛ اما نکته جالب درین است که چنین بند و شماره‌ای در متن تذکره الاولیاء وجود ندارد. (در صفحه ۱۱۶۷ نیز، «به روی و ریش» با ارجاع به بند ۴۵:۴ توضیح داده شده که اصلاً چنین شماره‌ای در متن حاضر نیست).
- صفحه ۱۱۹۱: ۶:۱۲ تیه بنی اسرائیل: در تعلیقات به معجم البلدان ۶۹/۱ ارجاع داده شده که اشتباه است و آدرس درست، ۶۹/۲ است.
- صفحه ۱۱۹۵: ۵:۱۳ حکمت در معده‌ای قرار نگیرد: چنین عبارتی در آدرس مذکور یافت نشد؛ بلکه با اختلاف بسیار در ۳۱:۱۳ دیده شد.
- صفحه ۱۲۰۸: ۱۰:۱۴ صاحب مقام محمود: عبارت مذکور در آدرس مذکور یافت نشد؛ بلکه با فاصله بسیار زیاد در ۱۰۰:۱۴ دیده شد.
- صفحه ۱۲۲۷: ۱۳۱:۱۴ یافتی یافتی: عبارت مورد نظر در شماره ۲۳۱:۱۴ دیده شد.
- صفحه ۱۲۲۲: ۱۳۹:۱۴ نخست بر خود نور ذات...: در تعلیقات آمده «نسخه‌بدل‌ها دیده شود»؛ ولیکن در بخش نسخه‌بدل‌ها، نسخه‌بدلی داده نشده است.
- صفحه ۱۲۳۲: ۱۲:۱۵ پاره‌ای خوردی: (تکملة الأصفاف ۵۰/۱)؛ آدرس درست مأخذ، ۵۰/۱ است.

بررسی انتقادی تصحیح تذکره الاولیاء (معصومه امیرخانلو) ۷۱

- صفحه ۱۲۴۹؛ ۴:۲۰ عاقبتین: در تعلیقات گفته شده نسخه‌بدل‌ها دیده شود؛ اما نسخه‌بدلی داده نشده است.
- صفحه ۱۲۹۹؛ ۶۰:۴۳ هین ایمان عرضه کن: چنین عبارتی در آدرس مذکور یافت شد؛ بلکه با فاصله زیاد در بند «۹۰:۴۳» دیده شد.
- صفحه ۱۳۰۵؛ ۲۰۳:۴۳ نثار نکنی: این عبارت با اختلاف زیاد در بند «۲۲۸:۴۳» دیده شد.
- صفحه ۱۳۳۰؛ ۵۰:۶۰ آنها که اول قدم در فنا نهند: در تعلیقات به نسخه‌بدل‌ها ارجاع داده شده؛ اما در واقع، نسخه‌بدلی داده نشده است.
- صفحه ۱۴۳۶؛ ۱۸:۸۰ ترجمه این عبارات است: «السفلة من لا يخاف الله و... و المختار ۱/۲۶۵»؛ عبارات مذکور در المختار دیده نشد؛ بلکه در مناقب الأبرار یافت شد.
- صفحه ۱۴۵۶؛ ۱۸:۸۹ صوفی آن است که وجد او...: «طبقات سلمی ۴۹...»؛ شماره صفحه مأخذ اشتباه است. شماره صحیح، ۴۹۱ است.
- صفحه ۱۴۶۶؛ ۳:۹۳ رخصت ناجستن: این عبارت با فاصله زیاد در بند شماره ۳۱:۹۳ یافت شد.

## ۱۱.۲ عدم مطابقت متن با مدخل اصلی تعلیقات

- صفحه ۸۵۶ از پایین سطر نهم: «زندان تو تن است»؛ به استناد آنچه که در تعلیقات (تذکره الاولیاء، ۱۴۶۴) آمده است عبارت بدین گونه بوده است: «زندان تو تن توست».
- صفحه ۱۱۸۷؛ ۷۳:۱۱ خانه دیو: این عبارت در متن کتاب، «خانه شیطان» آمده است. در نسخه‌بدل‌ها هم چنین ضبطی دیده نشد و پیدا نیست مصحح بر چه اساسی، «خانه دیو» را به «خانه شیطان» بدل کرده است و یا بالعکس.
- صفحه ۱۲۵۶؛ ۷۱:۲۳ دنیا کشت زار مؤمن: چنین عبارتی در متن تذکره نیست؛ بلکه در بخش نسخه‌بدل‌ها گنجانده شده. لازم بود چنین اشاره‌ای صورت می‌گرفت.

- صفحه ۱۲۷۰؛ ۷۲:۳۰ آتش از آب تیزتر گردد: در متن تذکره، «آتش از باد» به کار رفته و توضیحی هم در باب این مغایرت داده نشده است. در نسخه‌بدل‌ها هم چنین ضبطی به کار نرفته است.
- صفحه ۱۲۷۷؛ ۱۴۱:۳۵ بنده گناه کند و ترا شرم بود: در متن کتاب، «کرم» بود. مصحح توضیح نداده است ضبط «شرم» بر چه اساسی است؟ در نسخه‌بدل‌ها هم اشاره‌ای به ضبط «شرم» نرفته است.
- صفحه ۱۳۱۰؛ ۴:۴۴ گنج‌نامه ابلیس: در متن تذکره فقط «گنج‌نامه» آمده است. در نسخه‌بدل‌ها هم صورت «گنج‌نامه ابلیس» یافت نشد.
- صفحه ۱۳۱۶؛ ۱۴:۴۶ بر یک جست می‌گردد: در متن تذکره، «بر یک خشت...» آمده است. مصحح بدون آن‌که ذکر کند ضبط «بر یک جست...» بر اساس چه نسخه‌بدلی است به توضیح عبارت و سایر شواهد «جست» به کار رفته در آثار عطار می‌پردازد.
- صفحه ۱۳۵۷؛ ۱۷:۶۲ فضیحت دعوی: در متن تذکره تنها «فضیحت» به کار رفته است. نسخه‌بدلی هم ازین عبارت داده نشده تا معلوم گردد آوردن «فضیحت دعوی» به جای «فضیحت» بر اساس ضبط نسخه‌بدلی است یا متن افتادگی دارد؟
- صفحه ۱۴۲۹؛ ۲۳۱:۷۹ جگام دستش و مجان رگ پایش: در متن، «مجاز» آمده است، مصحح توضیح نداده است «مجاز» بر اساس چه نسخه‌بدلی وارد متن شده است؛ در نسخه‌بدل‌ها هم چنین ضبطی دیده نشد.

## ۱۲.۲ اشکالات مربوط به یک‌دست‌نبودن روش تصحیح متن

در تصحیح متنی چون تذکره الاولیاء همان‌گونه که مصحح اذعان کرده است باید از «روش مولکولی» بهره برد. مصحح در عین بهره‌گیری از نسخه‌های کهن، با مراجعه به منابع پیش از عطار و نیز قرائن متنی دست به این مهم زده است؛ اما نگارنده در مطاوی کتاب حاضر به مواردی برخورد که با سیاق اصلی مصحح در تصحیح مغایرت داشته است. مصحح در موارد بسیاری خاطر نشان می‌سازد در خود جرأت نیافته تا از ضبط نسخ اساس

عدول کرده و اجتهاد شخصی را وارد متن کند؛ اما علی‌رغم اشاره مصحح، نمونه‌هایی دیده شد که مصحح ضبط نسخه‌ها را به یک سوی می‌نهد و تنها با استناد به منابع عطار در تذکره، آن ضبط را وارد متن حاضر می‌کند. بر نگارنده معلوم نشد مصحح بر چه اساسی، در مواردی ضبط اکثریت نسخه‌ها را ترجیح می‌نهد و بر چه اساسی در مواردی دیگر، همین ضبط اکثریت را وارد متن نمی‌کند. از طرفی هم این سؤال پیش می‌آید مرز بین وفاداری به نسخ اساس و استناد به قراین متنی و اجتهاد شخصی چیست؟ در این جا به برخی از موارد سؤال‌برانگیز در تصحیح متن اشاره می‌رود:

- صفحه ۵۹۷، سطر دوّم: «خوف تازیانه خداست»؛ با این که در تمام نسخه‌های اساس EDCBA، ضبط کلمه «بارنامه» است تنها به جهت ذکر شدن «تازیانه» در طبقات الصوفیه سلمی و المختار من مناقب الأخیار، بر ضبط بارنامه ترجیح داده شده است.

- صفحه ۱۱۶۵؛ ۲۲:۴ پرهیز ازین سخّاره...: مصحح در تعلیقات آورده: «عطار کلمه را سخّاره خوانده است» و در ادامه ارجاع به حلیه الاولیاء و صفه الصفوه داده که ضبط «سخّاره» را آورده‌اند؛ اما مصحح علی‌رغم این که تصریح دارد خود عطار کلمه را «سخّاره» خوانده است متن حاضر را به «سخّاره» بدل کرده است.

- صفحه ۱۲۲۱؛ ۱۳:۱۴ قدم ذلّ: با این که چهار نسخه اساس و نیز نسخه‌های دیگر ضبط «قدم دل» دارند و تنها یک نسخه، «قدم ذلّ» ضبط کرده است مصحح ضبط اقل را برگزیده است.

- صفحه ۱۲۳۶؛ ۴:۱۷ علی بن عیسی بن هامان: علی‌رغم این که در نسخ اساس، «هامان» آمده است؛ اما مصحح به استناد متون تاریخی، «ماهان» را وارد متن کرده است. مصحح در موردی مشابه (۱۴۲:۹۵ محمود و غارت مهنه) با این که از لحاظ تاریخی، «مسعود» درست است؛ ولیکن به دلیل پابندی به اساس، ضبط اساس را که «محمود» است وارد متن می‌کند.

- صفحه ۱۲۶۲؛ ۲۷:۲۸ نهر مسرقان: علی‌رغم این که سه نسخه اساس، «مرقان» ضبط کرده است؛ اما مصحح ضبط مسرقان را که در کتب جغرافیایی آورده شده برمی‌گزیند؛ اما به عنوان مثال، در صفحه ۱۱۴۶؛ ۱:۱ آن بومحمد جعفر صادق،

مصحح علی رغم این که تمامی منابع رجالی و تاریخی، کنیه امام صادق (ع) را ابوعبدالله ذکر کرده‌اند به ضبط نسخ اساس مورد استفاده خود که همگی کنیه آن حضرت را ابومحمد ذکر کرده‌اند استناد کرده و از هر گونه دخل و تصرف اجتناب ورزیده است.

- صفحه ۱۲۶۳؛ ۱۵۵:۲۸ اسراف: با این که در تمام نسخه‌های اساس، «سراق/سراق» به کار رفته، مصحح با استناد به تهذیب الأسرار، «اسراف» را وارد متن کرده است؛ اما در صفحه ۱۲۵۶؛ ۲۹:۲۳ بازنگشت؛ مصحح با این که توضیح می‌دهد نحو جمله و معنای مورد نظر گوینده، فعل منفی می‌طلبد با استناد به اکثریت نسخه‌ها، «بازگشت» را در متن به کار می‌برد.

- صفحه ۱۳۱۷؛ ۱۹:۴۶ ملتزم: مصحح با این که اذعان می‌دارد نسخه اساس، «مستلم» دارد؛ اما چون توجیه‌پذیر نیست ضبط اساس را به یک سو می‌نهد و با استناد به معجم البلدان، «ملتزم» را وارد متن می‌کند.

- صفحه ۱۳۳۷، سطر اول: مصحح بیان می‌کند در نسخه اساس ما و نیز نسخه اساس نیکلسون، «رجاء» بوده، «ولی به قرینه مقامی و تقابل نعمت/رخاء به رخاء تصحیح شد»؛ اما در مورد صفحه ۵۸۰، از پایین سطر سوم: «و گفت اصل غلبه مقارنت شهوات است». با این که در بسیاری از منابع مورد مراجعه عطار مانند طبقات سلمی، «مفارقت» آمده است و بافت معنایی جمله هم ضبط «مفارقت» را تأیید می‌کند مقارنت که وجهی ندارد آورده شده است.

- صفحه ۱۲۷۹؛ سطر پانزدهم: مصحح بیان می‌کند علی‌رغم این که تمام منابع، «مخوف» یا «مخوفات» به جای «مخلوقات» دارند؛ «ولی چنین جرأتی در خود نیافتیم و همان صورتی را که در تمام نسخه‌های تذکره وجود دارد، یعنی مخلوقات را حفظ کردیم». حال این سؤال پیش می‌آید با همه حساسیتی که مصحح در وفاداری به نسخه‌های اساس دارد چرا در موارد مشابه، این پایبندی به نسخ را به یک سو می‌نهد و اجتهاد شخصی خود را وارد متن می‌کند؟

- صفحه ۱۴۵۹؛ ۲:۹۲ قوت همّت: با این که مصحح اذعان می‌دارد «ما متن را از «همّت» به «هیبت» تغییر دادیم»؛ اما همچنان در متن، «همّت» را به کار برده است.

### ۳. نتیجه‌گیری

کتاب تذکره الأولیاء یکی از مهم‌ترین آثار نثر فارسی است که تاکنون چند بار تصحیح و چاپ شده است؛ آخرین تصحیحی که توسط دکتر شفیع کدکنی صورت گرفته است از بسیاری جهات بر چاپ‌های پیشین برتری دارد. مصحح درین چاپ بالغ بر چهل نسخه کهن تذکره را استفاده کرده است که در چاپ‌های قبلی، دیگر مصححان به بسیاری از آنها ارجاع نداده‌اند. علاوه بر این مهم، مقدمه مفصلی که مصحح درباره تذکره و ترجمه‌های مختلف آن، سبک عطار و معرفی تفصیلی نسخه‌های چهل‌گانه بیان کرده است نشان از پژوهشی عمیق در لایه‌های مختلف شناسایی تذکره دارد. در کنار این‌ها بایستی از تعلیقات عالمانه و بخصوص اشاره به مأخذ سخنان مشایخ در آثار پیش از عطار یاد کرد. با این همه، اشکالات و کاستی‌هایی در تصحیح حاضر وجود دارد که رفع آن‌ها، ارزش و سودمندی کار مصحح را بیشتر نمایان می‌سازد.

۱. بازنگری دقیق و اساسی در نمایه‌ها و ارجاعات درون‌متنی و برون‌متنی.
۲. لزوم بازبینی و ویرایشی و نگارشی، بخصوص در رعایت فاصله‌ها یا سرهم‌نویسی و رفع افتادگی‌های متن.
۳. ارائه توضیحات دقیق‌تر در ارتباط با روش تصحیح متن.

### کتاب‌نامه

- مجدالدین ابوالسعادات مبارک بن محمد، ابن الأثیر (۱۴۲۴/۲۰۰۳)، المختار من مناقب الأخیار، حقه و علقه علیه مأمون الصاغرچی، عدنان عبد ربه، محمد ادیب الجادر، الإمارات العربیة المتحدة، مرکز زاید للتراث و التاريخ.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، امثال و حکم، چاپ پانزدهم، تهران، امیرکبیر.
- فریدالدین عطار نیشابوری (۱۳۹۸)، تذکره الأولیاء، مقدمه و تصحیح دکتر محمدرضا شفیع کدکنی، چاپ اول، تهران، سخن.
- فریدالدین عطار نیشابوری (۱۹۰۷-۱۹۰۵)، تذکره الأولیاء، تحقیق رنولد الن نیکلسون، لیدن، بریل.
- فریدالدین عطار نیشابوری، (۱۳۸۶)، تذکره الأولیاء، تصحیح متن و توضیحات محمد استعلامی، چاپ شانزدهم، تهران، زوار.

۷۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۹، آذر ۱۴۰۰

عبدالملک بن محمد خرکوشی نیشابوری (۱۹۹۹م)، تهذیب الأسرار، تحقیق بسام محمد بارود، ابوظبی، المجمع الثقافي.

ابوعبدالرحمن سلمی (۱۳۷۲/۱۹۵۳)، طبقات الصوفیه، تحقیق نورالدین شریبه، قاهره، دار الكتاب. خواجه عبدالله انصاری (۱۳۶۲)، طبقات الصوفیه، به اهتمام محمد سرور مولایی، چاپ اول، تهران، توس.

یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۹)، فرهنگنامه قرآنی، چاپ سوّم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی. فریدالدین عطار نیشابوری (۱۳۸۶)، مصیبت‌نامه، تصحیح و مقدمه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ سوّم، تهران، سخن.

یاقوت بن عبدالله حموی (۱۳۹۹/۱۹۷۹)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر. حسین بن نصر بن محمد معروف به ابن خمیس (۱۴۲۷/۲۰۰۶)، مناقب الأبرار و محاسن الأخیار، تحقیق و تقدیم سعید عبدالفتاح، بیروت، دار الکتب العلمیه. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴)، نوشته بر دریا، از میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی، چاپ اول، تهران، سخن.

Frye, Richard N (1965), *The Histories of Nishapur*, Cambridge, Harvard University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی